



A Fiqhi Re-examination of Data Usurpation (*Ghaṣb*) in Cyberspace

Seyed Mojtaba Hossein-nezhad^{*}

Received: 28 February 2025 | Recieved in revised form: 29 April 2025 | Accepted: 08 May 2025 | Published: 22 November 2025

Abstract

The increasing use of computers in all spheres of life, coupled with their ease of use and the expansion of the global internet network, has enabled the occurrence of deviant acts contrary to religious and Sharī'ah principles in cyberspace from any location in the world. One of the most significant virtual acts contravening the Sharī'ah is the usurpation (*ghaṣb*) of electronic data in cyberspace. Through a descriptive-analytical and library-based research method, this study concludes that the prescriptive ruling (*al-ḥukm al-taklīfī*) for this form of usurpation is prohibition (*ḥurmah*), based on evidence such as rational proof (*dalīl al-'aql*), the practice of reasonable people (*binā' al-'uqalā'*), and the general applicability (*itlāq*) of Qur'anic verses and narrations concerning usurpation. Furthermore, by relying on the general applicability of fiqhi principles such as the "Rule of Respect" (*Qā'idat al-Ihtirām*), the "Rule of Causing Loss/Destruction" (*Qā'idat al-Itlāf*), and the "Rule of [Liability on the] Possessor" (*Qā'idat Alā al-Yad*), the consequential ruling (*al-ḥukm al-waḍ'i*) of legal liability (*ḍamān*) for both the usurped data itself and its usufruct can be established against the usurper in cyberspace. In this context, one cannot preclude reliance on the general applicability of these texts by invoking the concept of the "assured instance" (*qadr al-muṭayaqqin*), or by claiming that the term "property" (*māl*) in the verses and narrations contextually refers (*inṣirāf, tabādur*) only to tangible, physical assets. This is because the "assured instance" is extrinsic (*khārijī*) and not relevant in the context of address (*takhaṭub*). The argument of contextual shift (*inṣirāf*) also fails to block general applicability, as its basis is not prevalent usage. Relying on immediate connotation (*tabādur*) is likewise subject to numerous critiques, including the argument that even if *tabādur* is considered an indicator of a word's primary meaning, a non-immediate meaning cannot thereby be automatically deemed figurative (*majāzī*).



Keywords: Data Usurpation, Cyberspace, Prohibition (*Ḥurmah*), Legal Liability (*Ḍamān*), Rule of Respect, Rule of Liability on the Possessor, Rule of Causing Loss.

* Associate Professor, Faculty of Theology, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran; Email: m.hossainnezhad@umz.ac.ir

■ Hossein-nezhad, S. (2025)., A Fiqhi Re-examination of Data Usurpation (*Ghaṣb*) in Cyberspace. *Journal of New Perspectives in Islamic Jurisprudence*, 3 (2)., 63-84. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.12459.1155>



بازخوانی فقهی غصب داده‌ها در فضای مجازی

سید مجتبی حسین نژاد^{*ID}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

چکیده

با افزایش به کارگیری رایانه در تمام عرصه‌های زندگی و همچنین سهولت استفاده از آن و گسترش شبکه جهانی اینترنت، عملیات‌ها و افعال ناهنجار و مخالف با موازین شرعی و دینی در فضای مجازی می‌تواند در هر نقطه‌ای از دنیا به وقوع بپیوندد. یکی از مهم‌ترین عملیات‌ها و افعال مجازی مخالف با شرع، غصب داده‌های الکترونیکی در فضای مجازی است. نگارنده در این تحقیق که به روش تحلیلی توصیفی و با شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است به این نتیجه رسیده است که حکم تکلیفی این نوع از غصب با توجه به ادله‌ای همچون دلیل عقل، بنای عقلا و اطلاق آیات و روایات وارد شده در زمینه غصب، حرمت است. نیز با استناد به اطلاق ادله‌ای چون قاعده احترام، قاعده اتلاف و قاعده علی‌الید می‌توان حکم وضعی ضمان عین داده‌ها و منفعت آن را در حق غاصب در فضای مجازی اثبات نمود. در این مقام نمی‌توان با توجه به وجود قدر متیقن و یا با استناد به انصراف و یا تبادر مال در آیات و روایات به اموال ملموس و فیزیکی مانع از تمسک به اطلاق شد، چرا که قدر متیقن خارجی است و در مقام مخاطب نیست. انصراف نیز از آنجایی که منشأ آن کثرت استعمال نیست، مانع از تمسک به اطلاق نمی‌شود. استناد به تبادر نیز مورد مناقشات متعددی قرار گرفته است، از جمله اینکه با شمردن تبادر به عنوان علامت حقیقت، نمی‌توان معنای غیر متبادر را به عنوان معنای مجازی آن واژه دانست.

کلیدواژه: غصب داده‌ها، فضای مجازی، حرمت، ضمان، قاعده احترام، قاعده علی‌الید، قاعده اتلاف.



*دانشیار، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. | m.hossainezhad@umz.ac.ir

□ حسین نژاد، سید مجتبی (۱۴۰۴). بازخوانی فقهی غصب داده‌ها در فضای مجازی، پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه. ۳ (۲)، ۸۴-۶۳

<https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.12459.1155>

مقدمه

با توجه به قابلیت‌های بسیار زیادی که می‌توان برای رایانه تصور نمود همچون دقت بالا، ذخیره‌سازی حجم زیاد اطلاعات و سایر امکانات زیادی که برای بشر به ارمغان آورده است، بشر را وارد چالش‌های جدیدی کرده است؛ چرا که عده‌ای سودجو و فرصت‌طلب با کسب مهارت و دانش لازم، راه‌ها و شریان‌های لازم برای ورود به سیستم‌های شرکت‌ها و افراد را به دست آورده و موجب بروز مشکلات و خسارات فراوانی می‌شوند. از جمله این چالش‌ها که به نوعی در عصر امروزی، خودنمایی می‌کند، مسئله غصب و تصرف عدوانی در اموال غیر می‌باشد. به این صورت که داده‌های موضوع غصب مجازی و اینترنتی که نماینده و معرف اشیای ملموس و مادی هستند بعد از دست کاری سیستم کامپیوتری توسط مرتکب غصب می‌شوند. آنچه که بر اهمیت این مسئله می‌افزاید اینکه کاربران مجازی از طریق وصل بودنشان به شبکه جهانی اینترنت و گستردگی آن در سراسر جهان می‌توانند سوژه‌های زیادتر و دسترسی راحت‌تری به اموال دیگران داشته باشند و خسارات و آثار به مراتب زیادتری را نسبت به نوع سنتی از آن به بار می‌آورند. لذا لازم است که حکم تکلیفی و وضعی این مسئله روشن شود.

در رابطه با پیشینه تحقیق باید گفت: اگرچه در رابطه با احکام فقهی بسیاری از جرائم و افعال مخالف با موازین شرعی در فضای مجازی همچون سرقت، افساد فی الارض، قوادی و ... مقالات و نوشته‌های متعددی نگاشته شده است، منتها در رابطه با حکم فقهی غصب داده‌ها در فضای مجازی تا جایی که نگارنده بررسی نموده است، تاکنون هیچ تحقیق صورت نگرفته است. اگرچه در زمینه غصب در فضای مجازی تحقیقات متعددی همچون: «پدیده غصب سایبری و طرق حل اختلاف مربوط بدان؛ با تمرکز بر سیاست متحدالشکل حل و فصل اختلافات نام دامنه» از اسلامی پناه و تقی‌زاده صورت گرفته است، منتها تمامی این تحقیقات بحث را تنها از جهت حقوقی ارائه داده‌اند و وارد بحث‌های فقهی به صورت تحلیلی نشده‌اند. نیز در رابطه با مالیت داده‌های رایانه‌ای که اثبات غصب داده‌ها در فضای مجازی متوقف بر اثبات آن است، تحقیقات متعددی به صورت مستقل همچون مقاله «توسعه مفهوم و مصادیق مال در فضای مجازی» از عبدی‌پور فرد و وصالی ناصح به صورت دقیق نگاشته شده است، منتها در رابطه با ماهیت غصب در فضای مجازی و بررسی حکم فقهی آن، در این دسته از مقالات بحثی به میان آورده نشده است. بر این اساس لازم است که حکم تکلیفی و وضعی این پدیده نوظهور بر اساس مبانی فقه و اصول مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در این مقاله با توجه به اتفاق صاحب‌نظران بر امکان قرار گرفتن داده‌های رایانه‌ای به عنوان مال و تحقیقات متعدد انجام شده در مورد آن، برای جلوگیری از اطاله کلام و رعایت مسائل کمی مقاله، مالیت داده‌ها مفروغ‌عنه قرار می‌گیرد و تنها در قسمتی به صورت گذرا و مختصر به تبیین آن پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. غصب

غصب در لغت به معنای گرفتن چیزی به نحو قهر و غلبه و از روی ظلم می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۷۴؛ ابن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۹). اما در اصطلاح فقهی باید در نظر داشت که تحلیل و بررسی ماهیت غصب و قیود آن مقاله مستقلاً را می‌طلبد، منتها به صورت خلاصه باید گفت: در نوشته‌های متأخرین، غصب به استقلال عدوانی بر مال غیر تعریف شده است (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۴؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، صص ۲۲۱ و ۲۲۱). منتها باید در نظر داشت این تعریف نمی‌تواند جامع افراد تلقی شود، چرا که اگر شخصی تنها قسمتی از اموال دیگری را مورد تصرف قرار دهد و در قسمت دیگر از مال تصرف نکند و یا اینکه چند نفر به نحو مشارکتی در اموال دیگران تصرف نمایند، مطابق با این تعریف غصب به شمار نمی‌آید، در حالی که شمردن این دو مورد از مصادیق غصب از واضحات تلقی می‌شود. لذا بهتر است در تعریف غصب به جای قید «استقلال» از قید «استیلاء» استفاده شود تا اینکه اشکالات مذکور وارد نشود و تعریف غصب نیز به عنوان تعریف جامع به حساب آید (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، صص ۱۴۷-۱۴۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۶). آوردن قید «مال غیر» نیز مواردی همچون استیلاء عدوانی شخص بر اموال خود (همچون استیلاء راهن بر اموالی که شرط شده در نزد مرتهن باشد) را از تعریف غصب خارج می‌نماید (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۱۰). نیز آوردن قید «عدوانی» باعث خروج مواردی همچون اثبات ید ولی، مرتهن و وکیل که استیلاء و ید در این موارد امانی شمرده می‌شود، از تعریف غصب می‌شود (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۴۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۱۰).

۱-۲. داده‌های رایانه‌ای

داده در تعریف علمی دقیق عبارت است از هرگونه علامت، رمز، نشان یا نمادی که برای مخاطب نامفهوم و غیر قابل استفاده و مستقلاً و بدون هیچ گونه عملیاتی بر روی آنها مفهوم یا موضوع خاصی را به مخاطب القاء نمی‌کنند (قلی‌زاده نوری، ۱۳۷۹، ص ۶۷). منظور از پردازش داده یعنی هر فرآیندی که داده را از شکل نامفهوم و غیر قابل استفاده خود خارج ساخته به شکل دیگری که حاوی یک مفهوم، ارزش یا هدف مطلوبی تبدیل می‌کند. عملیاتی که به منظور قابل فهم نمودن داده‌ها صورت می‌گیرد، اصطلاحاً «پردازش داده‌ها» نام دارد (روحانی رانکوهی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۵). نتایج استخراج شده و مفاهیم یا ارزش‌های مطلوب به دست آمده از پردازش داده که برای انسان قابل فهم شده است «اطلاعات» نامیده می‌شود (روحانی رانکوهی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۵؛ عبدی‌پور فرد و وصالی ناصح، ۱۳۹۵، ص ۹۰). لذا مراد از داده در مسئله حاضر از باب تسامح همان اطلاعات و نتایج حاصل شده از پردازش داده‌ها است.

۳-۱. فضای مجازی

تعاریف متعددی از فضای مجازی و سایبری، از صاحب‌نظران ارائه داده شده است ولی در مجموع این فضا محیط الکترونیکی و شبکه‌ای از کامپیوترها دانسته می‌شود که با استفاده از جلوه‌های سمعی و بصری سعی دارد تا ارتباطات درونی انسان‌ها را بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی شکل دهد، به طوری که فاقد مادیت فیزیکی بوده و خصوصیات بارز آن، بی‌مکانی و بی‌زمانی است و نیازی به جابجایی‌های فیزیکی در آن نیست. در مجموع فضای مجازی را می‌توان فضایی که در آن فعالیت‌های گوناگون در ابعاد داده‌ورزی و اطلاع‌رسانی، ارتباطات و ارائه خدمات، مدیریت و کنترل از طریق ساز و کارهای الکترونیکی و مجازی انجام می‌پذیرد، تعریف کرد (صدری و کروی، ۱۳۸۴، ص ۵۸). کارکرد اصلی این فضا این است که محیطی واقعی برای تعامل تعداد زیادی از افراد فراتر از مرزهای جغرافیایی فراهم آورده، به طوری که بتواند بر دیگران تأثیر گذاشته و تأثیر پذیرد.

۲. مصادیق غصب داده‌ها در فضای مجازی

با روشن شدن معنای اصطلاحی غصب و نیز فضای مجازی، غصب داده‌ها در فضای مجازی را می‌توان به معنای استیلاي عدوانی بر اموال و داده‌های الکترونیکی دیگری دانست. با حفظ این مطلب، از جمله مصادیق غصب داده‌ها در فضای مجازی می‌توان به دو مورد ذیل اشاره نمود:

استفاده ناپذیر کردن داده‌های کامپیوتری: از جمله مصادیق بارز غصب داده‌ها در فضای مجازی، می‌توان به عملیات‌هایی اشاره نمود که طی آنها داده‌های رایانه‌ای افراد به صورت دائمی یا موقت قابل استفاده نمی‌باشد. مثل اینکه با آلوده کردن فایل‌های اطلاعاتی و یا گذاشتن پسورد برای آنها، مانع باز شدن آنها شود و یا اینکه با تغییر فونت آنها، موجب ناخوانا شدن داده‌های اشخاص شود. البته این مصداق و نیز مصداق بعدی به نوعی می‌تواند تحت قانون جرایم رایانه‌ای ماده ۷۳۸ قرار گیرد که در این مورد می‌گوید:

هر کس به طور غیر مجاز با اعمالی از قبیل مخفی کردن داده‌ها، تغییر گذرواژه یا رمزنگاری داده‌ها مانع دسترسی اشخاص مجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

استفاده از ویروس باجگیر: از جمله مصادیق بارز غصب داده‌ها در فضای مجازی می‌توان به استفاده از ویروس باجگیر در فضای مجازی اشاره نمود. Ransomware یا ویروس باجگیر نوعی از بدافزار (از قسم باج‌افزار) است که از طریق ورودی‌ها و یا فضای اینترنت به سیستم شخصی افراد وارد شده و اطلاعات موجود در فایل‌ها را ردیابی کرده و با رمزنگاری کردن پنجره‌ای را در صفحه کامپیوتر شخص قربانی باز می‌کند. این ویروس به این دلیل باجگیر نام دارد که از افراد درخواست پول

می‌کند. این مبلغ معمولاً^{۱۴} به واسطه ارزشهای دیجیتال قابل پرداخت خواهد بود. گفته می‌شود که اگر کاربر مبلغ مورد نظر ویروس را پرداخت نکند ویروس به ایجاد آسیب‌های بیشتر اقدام کرده و از قربانی می‌خواهد تا مبلغ بیشتری را پرداخت نماید. استفاده از ویروس باجگیر و گرفتن داده‌های قربانی، به طوری که این داده‌ها دارای ارزش مالی می‌باشند، به طور مسلم می‌تواند از مصادیق غصب داده‌ها در فضای مجازی تلقی شود (<https://www.hardiran.com/ransomware-data>).

۳. حکم غصب داده‌ها در فضای مجازی

پس از اثبات موضوع شناسی غصب داده‌ها در فضای مجازی، در این قسمت از بحث به بررسی حکم تکلیفی و وضعی این نوع از غصب که از مسائل مستحدثه غصب به شمار می‌آید، پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه موضوع غصب، مال شمرده می‌شود، قبل از بررسی حکم تکلیفی و وضعی غصب داده‌ها در فضای مجازی، از باب رعایت طولی مسئله ابتدا باید مالیت داده‌ها در فضای مورد بررسی قرار گیرد، آنگاه پس از اثبات مالیت داده‌ها و به تبع آن امکان وقوع غصب داده‌ها در فضای مجازی، حکم تکلیفی و وضعی غصب داده‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. مالیت داده‌ها

مال در اصطلاح فقها شامل هر چیزی می‌شود که قابلیت برای معامله و دادوستد را داشته و دارای منفعت عقلایی و قابل اعتنا باشد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۱۵۹؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۹). در رابطه با غصب داده‌ها در فضای مجازی نیز باید گفت: بسیاری از داده‌ها در فایل شخصی افراد قابلیت برای داد و ستد را داشته و دارای منفعت عقلایی می‌باشد. چه بسا اینکه ممکن است نخبه‌ای پس از سال‌های متعدد تلاش و کوشش موفق به اختراع و کشف چیزی شود منتها قبل عرضه آن، شخص دیگری از طریق اینترنت پس از شکاندن قفل وارد فایل شخصی وی شده و آن را غصب نماید. البته توجه به این نکته لازم است که در غصب مجازی اخذ اسناد و داده‌هایی که جنبه مالیت را دارا بوده باشند مانند مثال مذکور، محل بحث است نه هرگونه اسناد و داده‌هایی که در فایل اشخاص ذخیره شده است. لذا در مواردی که داده‌ها مالیت نداشته باشند، از حیثه بحث غصب در فضای مجازی خارج می‌باشند. البته توجه به این نکته نیز لازم است که منظور از مالیت داشتن، مالیت داشتن در بازار نیست بلکه چه بسا اینکه ممکن است چنین داده‌هایی برای اشخاص دیگر فاقد ارزش اقتصادی باشد منتها برای برخی ارزش داشته باشد و شرع و عرف، دادن مال در مقابل آن را مذموم نشمارد. لذا اگرچه در قدیم، تمامی اموال و دارایی‌های که دارای ارزش اقتصادی بودند، به صورت مادی و قابل رویت و ملموس بودند، منتها با پیدایش تکنولوژی کامپیوتری این واقعیت که داده‌های عینی غیر ملموس نیز می‌تواند دارای ارزش اقتصادی باشند و به تبع آن اطلاعات موجود در رایانه نیز می‌تواند موضوع افعال مخالف با موازین شرع همچون غصب قرار گیرند، امری انکارناپذیر است.

براین اساس در مجموع می‌توان گفت: داده‌پیام و یا محتوی دیجیتال در فرض داشتن معیارهای مالیت، می‌تواند به عنوان یک عین دیجیتال و شیء دارای ارزش اقتصادی مورد معامله قرار گیرد و از این منظر بسیاری از داده‌های دیجیتال می‌توانند مال محسوب شوند. به عنوان مثال نسخه الکترونی یک فیلم یا قطعه موسیقی و حتی کتاب و مقاله به عنوان یک کالا و دارای منفعت عقلایی مورد معامله قرار گیرد. گاه نیز ممکن است برخی داده‌ها یا اطلاعات علاوه بر عین یا منفعت آن، حقی را برای دارنده آن ایجاد کند و این حق ممکن است جنبه مالی داشته باشد. همانند حقوق مالکیت فکری یک نرم‌افزار یا اپلیکیشن و مانند آن. در نتیجه امکان تحقق غصب در فضای مجازی با توجه به مالیت داده‌ها می‌باشد (عبدی‌پور فرد و وصالی ناصح، ۱۳۹۵، ص ۹۶).

۲-۳. حکم تکلیفی غصب داده‌ها در فضای مجازی

ادله‌ای که می‌توان برای حرمت غصب داده‌ها در فضای مجازی به آن استناد نمود، عبارتند از:

۱-۲-۳. دلیل عقل

حرمت و قبح غصب مقتضای حکم عقل است و به تبع آن در قالب مستقلات عقلیه می‌توان آن را حرام دانست، چراکه عقل انسان غصب را از مصادیق بارز ظلم شمرده و به تبع آن با توجه به ملازمه عقلیه بین شرع و عقل می‌توان حرمت آن را اثبات نمود (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۳). چنانچه بسیاری از فقهای معروف شیعه نیز عقل را مهم‌ترین دلیل حرمت غصب را دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۵۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۹۷؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۰۵). مشهور بین صاحب‌نظران دلیل عقل را زمانی حجت می‌دانند که مکلف بواسطه آنها قطع به حکم شرعی پیدا می‌کند (میرزای قمی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۸۵؛ صدر، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۳۳) که در این صورت به عنوان یکی از حجج در استنباط احکام شرعی شمرده می‌شود (جناتی، بی‌تا، صص ۲۴۴-۲۴۳). به عبارت دیگر، با توجه به قرار گرفتن دلیل عقل به عنوان یکی از ادله استنباط در کنار دلیل کتاب و سنت و به عنوان قسیم آن دو، تنها در صورتی می‌تواند دلیل قرار گیرد که قطع را در پی داشته باشد، چرا که تنها قطع فی حد ذاته حجت است. لذا اگر مقدمات عقلی تنها افاده ظن نمایند، نمی‌توانند دلیل و حجت قرار گیرند (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۳۳). بر این اساس حجیت عقل و عمل به مدرکات عقلی تحت عنوان رسول باطنی همچون حجیت رسول ظاهری مورد قبول قرار گرفته است (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۹). با حفظ این مطلب، در مسئله حاضر نیز با توجه به اینکه غصب داده‌ها در فضای مجازی بر حسب مقتضای عقل از مصادیق بارز ظلم به حساب می‌آید و هیچ شک و شبهه در قبح آن از نظر عقل نمی‌باشد و خصوصیت مجازی بودن آن نمی‌تواند در حکم عقل مداخلیتی داشته باشد، طبیعتاً بر اساس قانون ملازمه، حرمت شرعی را نیز به دنبال خواهد داشت.

۲-۲-۳. بنای عقلا

دلیل دیگری که می‌توان بر حرمت غضب داده‌ها در فضای مجازی ارائه داد، بنای عقلا می‌باشد، چرا که مقتضای بنای عقلا آن است که اخذ مال غیر به صورت عدوانی و بدون اذن وی با شرایطی که در موضوع شناسی غضب گفته شد، حتی اگر در فضای مجازی هم باشد، قبیح و حرام شمرده می‌شود و عقلا هیچ‌گونه فرقی بین دو صورت فیزیکی و مجازی نمی‌گذارند. البته ممکن است گفته شود بر حسب مبنای مشهور بین اصولیین بنای عقلا تنها در صورتی معتبر است که به نحو قطعی، مورد تأیید و رضایت شارع باشد. لذا بنابر این مبنا بنای عقلا در حقیقت به عنوان یک دلیل شرعی محسوب می‌شود نه یک دلیل عقلی. به دیگر سخن بنای عقلا در این مبنا، تنها جنبه کاشفیت و طریقت دارد و آنچه منشأ و مبنای حجیت است، گفتار یا کردار و دست کم تقریر و سکوت شارع است. اکثریت اصولیین برای احراز موافقت و رضایت شارع، طریقه تقریر را به سخن آوردند به این صورت که سکوت و عدم ردع معصوم (ع) در مورد یک سیره کاشف از موافقت ایشان با آن سیره است (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۰۱). به عبارت دیگر مشهور اصولیین برای حجیت سیره عقلایی، لااقل احراز عدم منع را ضروری دانستند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۹۸-۹۹؛ نائینی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۹۳؛ عراقی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۳۸). با حفظ این مطلب با مدنظر قرار دادن نظریه مشهور، بنای عقلا باید مورد تقریر و امضای شارع قرار گیرد، در حالی که سیره و بنای ایجاد شده در رابطه با مسائل مستحدثه‌ای همچون غضب داده‌ها در فضای مجازی، از آنجایی که در زمان شارع وجود نداشت، چطور می‌تواند مورد تقریر شارع قرار گیرد؟

پاسخ: اولاً: اگرچه مطابق با این مبنا، همزمانی و معاصرت بنای عقلا با عصر شارع به عنوان یکی از شروط حجیت بنای عقلا می‌باشد، منتها در اثبات معاصرت مزبور باید گفت که اگر معصوم بنای عقلا را ردع کرده باشند، باید چنین ردعی به دست ما رسیده باشد و حال آنکه چنین نیست و انگهی امضایی که از سکوت معصوم به دست می‌آید، بر مبنای آن نکته ثابت عقلایی در بنای عقلا است نه بر اساس سلوک فعلی عقلا در آن عصر. از این رو ظاهر از حال معصوم (ع) این است که بنای عقلا را امضای کبروی نموده و اختصاص به زمان قرار نداده است، لذا نفس وجود طبع عقلا به شرط عدم ردع از طرف شارع، برای اینکه کشف کنیم شارع مقتضای آن طبع عقلایی را امضا نموده، کفایت می‌کند. بنابراین اگر طبع و ارتکاز عقلایی که پایه آن رفتار است بتواند مبنا و پایه رفتارهای دیگری نیز که در زمان شارع به دلیل نداشتن موضوع یا هر دلیل دیگری وجود نداشته‌اند قرار گیرد، در این صورت آن رفتارهای دیگر نیز دارای حجت گشته و معتبر می‌شوند چرا که پایه آنها که همان ارتکاز و طبع فراگیر عقلایی بوده، در زمان شارع تأیید و تقریر شده است (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۶۴؛ صدر، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۴۷؛ مجمع فقه اهل البیت، ۱۴۲۳ق، صص ۳۳۶-۳۳۵).

حجیت سیره بر مبنای یک قضیه طبیعی بوده و در بنای عقلا همین بس است که ثابت شود آن کار بر مبنای طبیعت عقلایی انجام گرفته است، هر چند که ائمه بدان عمل نکرده باشند، در این صورت اگر مورد ردع قرار نگرفته باشد، همواره

اعتبار دارد. بنابراین «بنای عقلا بماهم عقلا» به عنوان یک قضیه طبیعی حجت است و اختصاص به عرف زمان پیامبر (ص) و امام (ع) ندارد. اگر بنای عقلا را مختص به سیره زمان پیامبر (ص) و امام (ع) بدانیم، در واقع در یک قضیه طبیعی حکم را به فرد سرائت داده‌ایم که این اصلاً منطقی نیست (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۶۴). بر این اساس امضای مصداقی از بنای عقلا صرفاً تأیید یک عمل خارجی نیست، بلکه دالّ بر امضای آن نکته ارتکازi و عقلایی است که سلوک از آن ناشی شده است. به بیان دیگر، امضای بنای عقلایی در واقع به معنای امضای ملاک و طبیعت عقلایی آن است نه صرفاً پذیرش یک سلوک خارجی.

ثانیاً: مقتضای آیه مبارکه «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ - وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف، ۱۹۹)، آن است که بنا و عرف مستحدثه حجت باشد؛ زیرا عرف بنا بر ادعای طبرسی در ذیل این آیه شریفه، به معنای هر روش و خوی پسندیده است که عقول مردم خوبی و درستی آن را تشخیص می‌دهند (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۵۱۲). با حفظ این مطلب، پیامبر اکرم (ص) با توجه به مدلول صریح این آیه مأمور به امر نمودن سیره‌ها و سنن پسندیده میان عقلا می‌باشد و به تبع آن اگر پیامبر (ص) مأمور به آن سیره‌ها بوده، همه مأمور به آن سیره‌ها می‌باشند. در نتیجه قرآن با این آیه شریفه، مبنای همه عرف‌ها و سیره‌های عقلانی را تا روز قیامت بر صحت گذاشته و با این خطاب به صورت یک امضای کلی تمامی سیره‌های عقلایی خصوصاً سیره‌های عقلایی مستحدثه را معتبر دانسته است و هرگز نمی‌توان گفت که الف و لام در «العرف»، الف و لام عهد بوده و عرف خاصی مراد خداوند است، بلکه الف و لام جنس و شامل تمامی عرف‌ها و سیره‌ها تا روز قیامت می‌شود، چنانچه علامه طباطبایی فرموده است: «فمقتضی قوله: «وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ» ان یامر بكل معروف» (طباطبایی، بی تا، ج ۸، ص ۳۸۰).

۳-۲-۳. اطلاق مستندات نقلی (آیات و روایات)

با تمسک به اطلاق ادله نقلیه‌ای چون آیات و روایات مربوط به حرمت غصب، حرمت غصب داده‌ها در فضای مجازی را می‌توان اثبات نمود. از جمله این ادله می‌توان به آیاتی همچون آیه ۱۰ سوره نساء^۱، آیه ۱ سوره مطففین^۲ و مهم‌تر از همه به آیه ۲۹ سوره نساء^۳ اشاره نمود. مطابق با آیه اخیر، مقتضای نهی از اکل مال به صورت باطل، حرمت اکل مال به صورت باطل است. بدون شک غصب اموال اگرچه آن اموال مجازی باشند، از مصادیق اکل مال به باطل بوده و به تبع آن با توجه به مفاد آیه مذکور حرام شمرده می‌شود. نیز در این مورد می‌توان به اطلاق روایاتی همچون روایت «لا یحلّ دم امرئ مسلم ولا ماله إلّا بطیبه نفسه: مال هیچ مسلمانی حلال نیست مگر به رضایت و طیب نفس او» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، صص ۲۷۵-۲۷۳) و

۱. إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا.

۲. وَبَلِّغِ لِلْمُطَفِّفِينَ.

۳. وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ.

روایت «لا يأخذن أحدكم متاع أخيه جاداً ولا لاعباً: مبادا مال برادر خود را بگیری، خواه از روی جدی باشد یا از روی شوخی» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۰۵) استناد نمود، به طوری که فقها حرمت غصب را با توجه به این ادله از جمله مسائل اجماعی دانسته‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۵۹؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۰۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۴۵).

۳-۳. حکم وضعی غصب داده‌ها در فضای مجازی

در دو مصداقی که برای غصب گذشت و به عنوان غالب مصادیق غصب داده‌ها در فضای مجازی شمرده می‌شوند، غاصب ضامن منفعت داده‌ها می‌باشد، و در هر دو مورد باید گذشته از ضمانت منفعت، داده‌ها را به حالت اول برگرداند و آن را از حالت غیر قابل استفاده بودن خارج کند که این به منزله برگرداندن مال مغضوبه به صاحب آن می‌باشد. علاوه بر اینکه در مواردی از غصب که در ضمن مصداق دوم قرار می‌گیرد، باید باج را به صاحب آن برگرداند. با حفظ این مطلب از جمله ادله‌ای که حکم وضعی ضمان غصب داده‌ها در فضای مجازی را می‌توان بواسطه تمسک به اطلاقات آنها اثبات نمود، عبارتند از:

۳-۳-۱. قاعده احترام

بر اساس این قاعده اموال مسلمین مانند خون آنها مورد احترام بوده و به تبع آن تصرف در اموال دیگران بدون اذن آنها جایز نمی‌باشد. گذشته از حکم عقل به قبح تصرف در اموال دیگری بدون اذن وی، ادله نقلیه‌ای همچون آیه ۱۸۸ سوره بقره و احادیث مستفیضه و بلکه متواتره همچون سه روایت «المسلم علی المسلم حرام دمه، و ماله، و عرضه»، «و حرمة ماله كحرمة دمه» و «لا یحلّ ماله إلّا عن طیب نفس منه» به عنوان مستند این قاعده تلقی می‌شوند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۸۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۳۴۱). جزم به این قاعده به قدری است که حتی ادعای اجماع نیز بر آن شده است (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳، ص ۴۷۵؛ بحر العلوم، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۷۹). مطابق با مضمون این قاعده، اتلاف مال غیر گذشته از حکم تکلیفی حرمت، مستلزم حکم وضعی ضمان نیز است و علاوه بر اعیان، منافع نیز مشمول ضمان می‌باشد. البته گروهی از فقها همچون آیت الله خویی معتقدند که این قاعده نمی‌تواند دلالت بر حکم وضعی ضمان داشته باشد، بلکه نهایت چیزی که می‌توان از مستندات این قاعده استنتاج نمود، تنها حکم تکلیفی حرمت است (موسوی خویی، بی‌تا، ج ۳، صص ۹۱-۹۰ و ۱۲۹). منتها در مقام تحقیق نمی‌توان این نظریه را صحیح دانست، چرا که در مستندات نقلی این قاعده همچون روایت «و حرمة ماله كحرمة دمه»، امام (ع) برای شناساندن اهمیت بسزای اموال مسلمین، آن را به خون مسلمین تشبیه کرده و همچون خون آنها، آن را محترم دانسته است. از طرفی عبارت «حرمة دمه» در این روایت گذشته از دلالت بر حکم تکلیفی حرمت ریختن خون مسلمان، مقتضی هدر نرفتن خون مسلمان نیز می‌باشد و به تبع آن دلالت بر جبران این هدر رفتن به نحوی از انحاء می‌کند. با حفظ این

مطلب با توجه به استخدام واژه «کحرمة دمه» در این روایت به عنوان مشبه به، مشبه «حرمة ماله» نیز همچون مشبه به گذشته از دلالت بر حکم تکلیفی حرمت هدر رفتن مال مسلمان، دلالت بر آن دارد که این هدر رفتن باید به نحوی از انحاء همچون ضمان جبران شود. در نتیجه مقتضای ظاهر تشبیه در این روایت آن است که وجه شبه اعم از حکم تکلیفی حرمت و حکم وضعی ضمان باشد و انحصار وجه شبه در بعضی از آثار احترام همچون حکم تکلیفی حرمت بر خلاف ظاهر تشبیه در روایت است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، صص ۴۱۸-۴۱۷). با در نظر گرفتن این تحلیل، می‌توان گفت: غاصب در فضای مجازی گذشته از اینکه مرتکب فعل حرامی شده است، ضامن عین داده‌ها و منفعت آن نیز می‌باشد.

۲-۳-۳. قاعده علی الید

مطابق با مضمون این قاعده، هر کسی اگر اموال دیگری را از طریق نامشروع تصرف نماید، ضامن است، تا اینکه آن را به مالکش برگرداند. اگرچه روایت «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه» که به عنوان مستند این قاعده در نظر گرفته می‌شود، از نظر سندی به دلیل ارسال در سند و نیز یافت نشدن در منابع اولیه و معتبر شیعه، ضعیف به شمار می‌آید، منتها ضعف آن بواسطه شهرت اصحاب جبران شده است (بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۱۶؛ جزائری، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۸۵). البته در اینکه آیا قاعده علی الید می‌تواند دلالت بر ضمان منفعت نماید، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد که نقد و بررسی آن بسی طولانی است، و لیکن مشهور بین فقها، استیلای بر منافع را حتی اگر منافع غیر مستوفاء باشد، موجب ضمان می‌دانند (ر.ک: نراقی، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۳۶۷؛ جزائری، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۶۳). که قانون مدنی نیز در ضمن ماده‌های ۳۲۰ و ۲۶۱ از نظریه مشهور پیروی کرده است و غاصب را ضامن منفعت دانسته است. بر این اساس مقتضای قاعده علی الید آن است که غاصب در فضای مجازی، ضامن عین داده‌ها و منفعت را بر عهده دارد.

۳-۳-۳. قاعده اتلاف

غاصب را می‌توان با توجه به مضمون قاعده اتلاف، ضامن عین و منفعت آن دانست، زیرا با در نظر گرفتن مقتضای این قاعده هر کسی که مال دیگری یا منفعت مترتب بر آن مال را تلف نماید، در برابر آن ضامن خواهد بود، حتی اگر تلف به صورت عمدی رخ ندهد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۴۶؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۵). گذشته از بنای عقلا (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۶۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۰)، آیات متعددی همچون آیه ۱۲۶ سوره نحل «وَأِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ» و آیه ۱۹۴ سوره بقره «فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ» و روایات متعددی

همچون دو روایت حلبی از امام صادق (ع)^۱ و روایت سدید از امام محمد باقر (ع)^۲ بر این قاعده دلالت می‌نماید، به طوری که آن را در شمار قواعد اجماعی قرار می‌دهد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۴۶؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۵). این قاعده گذشته از جریان در اعیان، در منافع نیز جاریست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۴۶؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۹) و علاوه بر اطلاق آیات و روایات، مقتضای بنای عقلا نیز بر ضمان منافع اعم از منافع مستوفات و غیر مستوفات دلالت می‌کند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۶۶). منافع از نظر عرف نیز تابع مالکیت اعیان و به تبع آن دارای ارزش و اعتبار و در مجموع قابل غصب می‌باشد. بنابراین این قاعده نیز همچون دو قاعده قبلی دلالت بر ضمان عین داده‌ها و منفعت از ناحیه غاصب در فضای مجازی می‌کند.

با توجه به ادله‌ای که گذشت، در دو مصداقی که بیان شد، غاصب در فضای مجازی علاوه بر برگرداندن باج و ضمان منفعت، عین داده‌ها را نیز باید به حالت قبل بازگرداند، همانطوری که در نوع سنتی و فیزیکی از غصب نیز بدون هیچ گونه اختلاف نظری در میان فقها، غاصب باید عین داده‌ها را به صاحب آن برگرداند (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۰۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۷۵) و اگر مبلغی را به عنوان باج گرفته باشد، باید به مالکش پس بدهد. لذا در صورتی که اگر غاصب در فضای مجازی نتواند داده‌ها را برگرداند مانند زمانی که در مصداق اول و دوم غاصب قدرت بر بازنمودن قفل را نداشته باشد تا اینکه داده‌ها را به قربانی بازگرداند، با در نظر گرفتن قاعده احترام، قاعده اتلاف و قاعده علی‌الید، گذشته از ضمانت منفعت، ضامن عین داده‌ها نیز شمرده می‌شود، چرا که داده در این فرض در حکم داده‌های تلف شده می‌باشند، همانطوری که در غصب فیزیکی نیز به اتفاق فقها، غاصب در صورتی که عین داده‌ها را تلف نماید و یا از برگرداندن آن معذور باشد، علاوه بر ضمانت منفعت، ضامن عین مغضوبه نیز خواهد بود (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۸؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۱۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۸۲). از آنجایی که ملاک در مثلی یا قیمی بودن اموال بنابر قول اصحاب با توجه به عرف است و تعریف فقها نیز از اجناس مثلی و قیمی با در نظر گرفتن اجناس مثلی در همان زمان است (موسوی خویی، بی‌تا، ج ۳،

۱. دو روایت حلبی از امام صادق (ع) عبارتند از:

۱- ... عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُلِّ عَنْ الْقَصَارِ يُقْسِدُ فَقَالَ - كُلُّ أَجِيرٍ يُعْطَى الْأَجْرَةَ عَلَى أَنْ يُصْلِحَ فَيُقْسِدَ فَهُوَ ضَامِنٌ (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۹، ص ۱۴۱).

۲- ... عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الشَّيْءِ يُوَضَّعُ عَلَى الطَّرِيقِ - فَتَمُرُ الدَّابَّةُ فَتَنْفِرُ بِصَاحِبِهَا فَتَعْقِرُهُ - فَقَالَ كُلُّ شَيْءٍ يُضَرُّ بِطَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ - فَصَاحِبُهُ ضَامِنٌ لِمَا يُصِيبُهُ (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۹، ص ۲۴۳).

۲. ... عن سدید عن أبي جعفر ع في الرجل يأتي البهيمة - قال يجلد دون الحد و يغرم قيمة البهيمة لصاحبها - لأنه أفسدها عليه و تذبج و تحرق - إن كانت مما يؤكل لحمه - و إن كانت مما يركب ظهره غرم قيمتها - و جلد دون الحد - و أخرجها من المدينة - التي فعل بها فيها إلى بلاد أخرى حيث لا تعرف - فبيعها فيها كيلا يعير بها (صاحبها) (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۹، ص ۳۵۸).

ص ۱۵۳)، چنانچه قانون مدنی نیز در ضمن ماده ۹۵۰ نهایتاً تشخیص در مثلی یا قیمی بودن اموال را به عرف واگذار کرده است و از طرفی عرف نیز در این مسئله برحسب ظاهر داده‌های کامپیوتری را اجناس مثلی به شمار می‌آورد، در مجموع باید گفت که غاصب در این مسئله ضامن مثل آن داده‌ها می‌باشد.

۴. مناقشات بر ادله حکم تکلیفی و وضعی غصب داده‌ها در فضای مجازی

باید در نظر داشت تمسک به این ادله و قواعد برای اثبات حکم تکلیفی و وضعی غصب داده‌ها در فضای مجازی به راحتی ممکن نیست. زیرا ممکن است گفته شود، تمسک به بنای عقلا و عقل و فرق نگذاشتن بین دو صورت غصب فیزیکی و مجازی، به دلیل لبی بودن آنها صحیح نیست، چرا که در ادله لبی به قدر متیقن اکتفا می‌شود و قدر متیقن از بنای عقلا و عقل نیز تنها صورت فیزیکی از غصب می‌باشد. تمسک به اطلاعات ادله بیان شده و تسری حکم در آن به غصب داده‌ها در فضای مجازی اگرچه ممکن است با در نظر گرفتن اصل در بودن احکام در سیستم تشریع الهی از نوع قضایای حقیقه (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، صص ۴۷۸-۴۷۵؛ مکارم شیرازی، بی‌تا) صحیح به نظر آید، منتها مناقشاتی به شرح ذیل را پی خواهد داشت. این مناقشات عبارتند از:

مناقشه اول: بدون شک وجود نداشتن قدر متیقن، یکی از مقدمات حکمت هنگام به کارگیری اطلاق است، در حالی که در فرض مسئله این امکان وجود دارد که قدر متیقن از واژه‌هایی همچون «مال» در آیات و روایاتی که مستند حکم تکلیفی و وضعی غصب داده‌ها در فضای مجازی می‌باشند، مال‌های فیزیکی و ملموس باشد نه داده‌های الکترونیکی.

پاسخ: قبل هر چیزی باید دانست که قدر متیقن، به قدر متیقن خارجی و قدر متیقن در مقام مخاطب تقسیم می‌شود. اصولیین پیرامون هر یک از این مقدمات و ضرورت وجود همه آنها، بحث‌های گسترده‌ای را همراه با نقد و بررسی مطرح نموده‌اند که آوردن آنها در این مختصر عملاً ممکن نیست. منتها به صورت خیلی خلاصه باید گفت: تمسک جستن به اطلاق تنها در صورتی ممکن است که کلام محفوف به قدر متیقن در مقام مخاطب نباشد که از خود خطابات و محاورات و مکالمات فهمیده می‌شود؛ اما قدر متیقن خارجی که به حسب وجود خارجی است، مانع از تمسک به اطلاق نمی‌باشد؛ برای این که هیچ مطلقی نداریم، مگر آن که قدر متیقنی برای وی در مقام خارج وجود داشته باشد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۴۷؛ مکی عاملی، ۱۳۹۱ق، ص ۳۲۱). در فرض مسئله نیز اگر این قدر متیقن به حسب مقام مخاطب و مستفاد از سخنان امام (علیه السلام) بود، مانع از تمسک به اطلاق می‌شد و لیکن نمی‌توان وجود این قدر متیقن را در اینجا احراز نمود، زیرا قدر متیقن بودن اموال ملموس و فیزیکی از باب اینکه به عنوان یکی از مصادیق غالبی اموال در نظر گرفته می‌شود (زیرا غالب اموال به صورت فیزیکی و ملموس می‌باشند)، نهایتاً تحت یکی از مصادیق بدلی مطلق و خارج از مقام مخاطب شمرده است و هیچ دلیلی بر استفاده آن از متن سخنان امام (علیه السلام) نیست و به تبع آن نمی‌تواند مانع از ظهور اطلاق شود.

مناقشه دوم: واژه مال، منصرف به اموال فیزیکی و ملموس است؛ زیرا اموال مردم در اکثر مواقع ملموس و به صورت فیزیکی و دارای عین خارجی می‌باشد که در این صورت این انصراف مانع از تمسک به اطلاق می‌شود و به تبع آن این انصراف می‌تواند اطلاق این روایات را مقید به اموال ملموس و فیزیکی نماید.

پاسخ: بسیاری از فقیهان همچون سید مرتضی (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۰۶) شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، صص ۳۸۸ و ۳۹۹ و ۶۱)، علامه حلی (علامه حلی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۹۹)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، صص ۹۷ و ۲۰۱) در مقام استنباط احکام شرعی به انصراف استناد نموده‌اند. منتها انصراف، دارای اقسام و مراتبی است، و همه آنها به عنوان قرینه صلاحیت برای مانعیت از تحقق اطلاق را دارا نمی‌باشند. بی‌تردید عدم اشراف و اطلاعات کافی در این زمینه مستلزم خطا در استنباط است، چنانچه علامه مظفر در این مورد می‌نویسد: «چقدر آسان است، ادعای انصراف نمودن توسط شخصی که در این زمینه، مهارت لازم ندارد! و حال آنکه گاه، آوردن دلیل بر اینکه فلان انصراف، از کدامین نوع است، دشوار می‌باشد» (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۲۴۳). لذا لازم است ماهیت انصرافی که مانع از ظهور اطلاق می‌شود، روشن شود. منشأ انصراف، ممکن است یکی از امور سه‌گانه ذیل باشد که عبارتند از: غلبه وجودی، اکملیت و کثرت انس. در مورد غلبه وجودی، انصرافی در کار نیست و حداکثر یک ظهور بدوی و متزلزل پدید می‌آید که با اندک تأملی زائل می‌شود. در رابطه با اکملیت نیز باید گفت که صرف اکمل افراد بودن سبب انصراف نیست و گرنه در عالم هیچ مطلق قابل استناد نبود چرا که «ما من مطلق إلّا و له فرد اکمل». لذا انصراف در این دو قسم بدوی و متزلزل است. چون ظهور عبارت است از شدت و انس لفظ با معنی، به‌طوری که وجه و عنوان و مرآت آن معنی قرار گیرد که کثرت استعمال تنها علت این ظهور شمرده می‌شود نه مجرد غلبه یا اکملیت معنا. لذا با توجه به اینکه کثرت وجودی و یا اکملیت منشأ انصراف بدوی است نه انصراف محکم، نمی‌تواند موجب عدم انعقاد ظهور شود، چنانچه فقهی همچون علامه حلی، در جواب فقیهانی که احکام ظهار را اختصاص به همسران دائم دانسته‌اند و معتقدند که تعبیر «نسائهم» در آیه شریفه «والذین یظاهرون من نسائهم...» (مجادله، آیه ۲) به این قسم همسران انصراف دارد، می‌نویسد: «انصراف داشتن این اطلاق به همسران دائم را ممنوع می‌دانیم (علامه حلی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۱۹). بلکه تنها انصراف ناشی از کثرت استعمال که تحت عنوان انصراف مستقر شمرده می‌شود و بر خلاف انصراف ناشی از دو قسم قبلی با توجه به اینکه به مرحله ظهور رسیده است، می‌تواند موجب عدم انعقاد اطلاق شود (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۷۲؛ جزائری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، صص ۴۵۴-۴۵۳؛ موسوی حائری، بی‌تا، ص ۲۴۰). بله اگر کثرت وجودی یا اکملیت بتواند باعث کثرت استعمال شوند، از باب کثرت استعمال منشأ انصراف می‌باشند. لذا با معیار قرار دادن دیدگاه اصولیین، حتی اگر بیشتر اموال در خارج ملموس و دارای وجود خارجی باشند، باز هم نمی‌توان گفت که انصراف پیدا کردن واژه «مال» به اموال ملموس و فیزیکی که ناشی از غلبه وجودی است، موجب تقیید روایات در این زمینه به اموال ملموس و فیزیکی می‌شود.

مناقشه سوم: متبادر از واژه «مال» در آیات و روایات، مال ملموس و مالی است که دارای وجود خارجی باشد. بدون شک تبادر یکی از علائم حقیقت و به نوعی مهم‌ترین علامت آن است، لذا می‌تواند به عنوان مستند قوی برای معین بودن معنای مال در اموال ملموس برای واژه «مال» قرار گیرد و به دنبال آن موجب تقیید ادله همچون آیات و روایات به اموال ملموس و فیزیکی شود. در نتیجه نمی‌توان به واسطه این روایات به حکم تکلیفی حرمت و حکم وضعی ضمان غصب داده‌ها در فضای مجازی استناد نمود.

البته ممکن است گفته شود: شک در اینجا شک در مراد است. از اینکه مراد از مال در آیات و روایات چیست؟ آیا مراد اموال در فضای سنتی یعنی تنها اموال ملموس است یا اعم از اموال در فضای سنتی و فضای مجازی به طوری که شامل داده‌های الکترونیکی شود؟ نهایت چیزی که از تبادر فهمیده می‌شود، حقیقی بودن معنای متبادر است نه اینکه معنای متبادر به عنوان مراد هنگام شک در معنای مراد تلقی شود (ر.ک: مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۷۳؛ مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۴، ص ۵۷). منتها باید در نظر داشت با توجه به اینکه در ظهور روایت خدشه است و به تبع آن مشخص نیست که مراد از حکم بیان شده در روایت تنها مربوط به اموال در فضای سنتی است و یا اینکه روایت بیان‌کننده حکم اموال اعم از اموال در فضای سنتی و فضای مجازی می‌باشد، بدون شک مراد در این روایت مشخص نیست و مشکوک است. منتها باید در نظر داشت که یکی از اصولی که در هنگام شک در مراد مورد استفاده قرار می‌گیرد و همچون اصول دیگر برگشت به اصالة الظهور می‌کند و به تبع آن حجت است، اصالة الحقیقه است (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۷۶). با اجرای اصالة الحقیقه به عنوان یکی از اصول مرجع در هنگام شک در مراد، معنای حقیقی را می‌توان مراد دانست و به تبع آن می‌توان با استناد به تبادر و شمرده شدن معنای متبادر به عنوان معنای حقیقی و تمسک به اصالة الحقیقه پس از آن، در مجموع معنای متبادر را به عنوان معنای مراد از روایت دانست. بر این اساس با در نظر گرفتن اصالة الحقیقه باید گفت که آیات و روایات ظهور در اموال ملموس داشته و نمی‌توان به واسطه آنها حکم تکلیفی و وضعی غصب اموال و داده‌ها در فضای مجازی را اثبات نمود.

پاسخ: اولاً: اگرچه مشهور اصولیین تبادر را از جمله علائم حقیقت دانسته‌اند، منتها التزام به آن خالی از مناقشه نیست (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۱۳؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۲۶). البته آوردن این مناقشات به همراه نقد و بررسی آن بسی طولانی است که پرداختن به آن در این مختصر عملاً ممکن نیست. از جمله این مناقشات اینکه تبادر دو حالت دارد: یک حالت آن تبادر عالمین به لغت برای خودشان و حالت دوم تبادر عالمین به لغت برای جاهلین. علامیت تبادر در فرض اول محال است و فرض دوم هم تحقق خارجی ندارد. دلیل این مطلب این است که قوام وضع طبق نظر مشهور نه طبق مبنای قرن اکید به جعل و اعتبار واضح است؛ در حالی که قوام و اعتبار تبادر، وضع نیست تا از تبادر، وضع مشخص شود؛ بلکه تبادر منوط به علم یا اعتقاد به وضع است؛ حتی اگر این اعتقاد خلاف واقع و جهل مرکب باشد. بنابر این از آنجا وضع حتی به نحو جزء العله نیز مؤثر در تبادر نیست و ممکن است تبادر به جهت جهل مرکب به وضع حاصل شود؛ نمی‌توان تبادر را کاشف

اینی از وضع دانست. علاوه بر اینکه تبادر هیچ تأثیری در حصول علم ندارد؛ زیرا شخص عالم به لغت با التفات به علم خودش، ملتفت و متوجه معنای تفصیلی است و نیازی به تبادر ندارد؛ زیرا به سبب تبادر، علمی اضافه نمی‌شود بلکه التفات به علم می‌شود و نیازی به تبادر علاوه بر التفات نیست. اما تبادر عالمین به لغت برای جاهلین به لغت امری است که غالباً^۲ محقق نمی‌شود؛ زیرا با استعمال واحد تبادر شکل نمی‌گیرد بلکه برای تبادر لازم است اطراد تبادر حاصل شود و استعمالات متعددی لحاظ شود؛ یعنی با ملاحظه استعمالات متعدد، کشف از تبادرات متعدد می‌شود؛ پس اگر اهل لغت در موارد متعدد و متفاوتی تبادر معنای خاصی داشته باشند، برای جاهل به لغت، اطمینان حاصل می‌شود که این اطراد، ناشی از قرائن نبوده بلکه از وضع ناشی شده است؛ اما اگر صرفاً در یک استعمال، تبادر معنای خاصی بشود، ممکن است تبادر به جهت قرینه بوده و از وضع ناشی نشده باشد (صدر، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۶۵). بر این اساس استدلال به تبادر به عنوان علامت حقیقت، خود محل بحث است و استدلال به آن به راحتی ممکن نیست.

ثانیاً: با توجه به ابتدائی تبادر بر انساب و شمرده شدن انساب از امور وجدانی، تبادر از امور وجدانی شمرده می‌شود. لذا احراز تبادر از طریق مراجعه به وجدان ثابت می‌شود. با حفظ این مطلب چه بسا می‌توان گفت که با رجوع به وجدان معنای عامی از مال که شامل اموال ملموس و فیزیکی و اموال و داده‌های مجازی می‌شود، به ذهن سبقت پیدا می‌کند. آنچه که می‌تواند به عنوان مؤید گفتار ما در نظر گرفته شود، قرار گرفتن تبادر و دیگر علامت‌های حقیقت و مجاز همچون عدم صحت سلب در عرض یکدیگر به عنوان علائم حقیقت و مجاز می‌باشند. در فرض مسئله نیز با توجه به اینکه نمی‌توان واژه «مال» را به صورت مطلق و غیر مقید از اموال و داده‌های مجازی سلب نمود -از اینکه گفته شود داده‌ها در فضای مجازی اموال شمرده نمی‌شود- می‌توان به این نکته رسید که عدم صحت سلب نشانه حقیقت بودن عنوان مال در معنایی اعم از مال ملموس و مال مجازی است و به تبع آن چه بسا اینکه عدم صحت سلب می‌تواند -به دلیل قرار گرفتن آن در عرض تبادر نه در طول آن- کاشف از آن باشد که متبادر از عنوان مال معنایی اعم از اموال ملموس و اموال و داده‌های مجازی است.

ثالثاً: بر فرض اثبات اموال ملموس و فیزیکی به عنوان معنای متبادر از واژه «مال» و نیز شمردن تبادر به عنوان علامت حقیقت، نمی‌توان معنای غیر متبادر را در زمره معانی مجازی آن واژه شمرد. به عبارت دیگر در جایی که تبادر است، معنای حقیقی نیز است اما این طور نیست که در جایی که معنای حقیقی است تبادر هم باشد و علامت بودن تبادر برای معنای حقیقی نمی‌تواند مستلزم چنین مقتضایی باشد. لذا آخوند خراسانی در علائم حقیقت و مجاز سه علامت را ذکر می‌کنند: تبادر، عدم صحه سلب، اطراد. منتها به دو قسم آخر که می‌رسند، نفی و اثباتش را متعرض می‌شوند از اینکه در باب عدم صحه سلب، عدم صحه سلب را به عنوان علامت حقیقت، و صحه سلب را به عنوان علامت مجاز می‌دانند و در باب اطراد هم، اطراد را به عنوان علامت حقیقت و عدم اطراد به عنوان علامت مجاز ذکر کرده‌اند. در حالی که در باب تبادر فقط متذکر آن می‌شوند که تبادر علامت حقیقت است و متذکر آن نمی‌شوند که عدم تبادر به عنوان علامت مجازی بودن معنای غیر متبادر از واژه

است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، صص ۲۰-۱۸). بنابراین اثبات مدعا متوقف بر مفروغیتِ عدم تبادر به عنوان علامت برای مجازی بودن معنای غیر متبادر است. هرچند اکثریت اصولیین معتقد به این نظریه می‌باشند، اما نظریه مذکور خالی از مناقشه نیست. لذا در صورتی که نتوان مطلب فوق را اثبات کرد باید گفت که نه تنها اموال و داده‌های مجازی تحت عنوان معنای مجازی واژه «مال» اثبات نمی‌شود، بلکه می‌تواند از جمله معانی حقیقی آن واژه نیز به حساب آید؛ زیرا چه بسا همانطوری که در پاسخ دوم گذشت، نمی‌توان عنوان «مال» را به صورت مطلق و غیر مقید با نسبت به اموال و داده‌های مجازی سلب نمود، از اینکه گفته شود اموال و داده‌های فضای مجازی، تحت عنوان مال شمرده نمی‌شوند. در نتیجه عدم صحت سلب نشانه حقیقت بودن عنوان «مال» در معنایی اعم از اموال در فضای سنتی (اموال ملموس) و فضای مجازی (داده‌های الکترونیکی) است.

نتیجه‌گیری

بدون شک با توجه به اینکه بسیاری از داده‌ها جنبه مالیت دارند، غصب داده‌ها در فضای مجازی می‌تواند رخ دهد که به معنای استیلا یا ناحق بر داده‌های الکترونیکی دیگری که جنبه مالیت دارد، می‌باشد. از جمله مصادیق غصب داده‌ها در فضای مجازی می‌توان به دو مصداق استفاده ناپذیر کردن داده‌های رایانه‌ای و استفاده از ویروس باجگیر اشاره نمود. در رابطه با حکم تکلیفی و وضعی این نوع از غصب باید گفت: بدون شک در هر دو مصداق، حکم تکلیفی این نوع غصب را می‌توان با توجه به دلیل عقل، بنای عقلا و اطلاق آیات و روایات، حرام دانست و با در نظر گرفتن اطلاق ادله قاعده احترام، قاعده علی الید و قاعده احترام، حکم وضعی آن را ضمان عین و منفعت دانست. همچنین نمی‌توان با مطرح نمودن اشکالاتی همچون وجود قدر متیقن و انصراف، مانع از تمسک به اطلاقات شد، چرا که قدر متیقن با توجه به اینکه از نوع قدر متیقن خارجی می‌باشد و همچنین انصراف نیز از آنجایی که منشأ آن کثرت استعمال نیست بلکه غلبه وجودی است، هیچ یک از آن دو نمی‌توانند مانع از تمسک به اطلاقات شوند. نیز نمی‌توان با استناد به تبادر اموال فیزیکی و ملموس از واژه مال در آیات و روایات، حکم در آیات و روایات را مربوط به اموال ملموس دانست و به تبع آن نتوان حرمت و ضمان را برای غصب اموال و داده‌های مجازی به اثبات رساند. زیرا در علامت بودن تبادر به عنوان نشانه حقیقت مناقشه است. علاوه بر اینکه بر فرض پذیرش آن به عنوان علامت برای حقیقت، وجدانی است و می‌توان با در نظر گرفتن وجدان، ادعای تبادر اعم از اموال ملموس و اموال مجازی نمود. همچنین بر فرض تبادر اموال ملموس از مال در آیات و روایات، به راحتی نمی‌توان معنای غیر متبادر یعنی اموال و داده‌های در فضای مجازی را به عنوان معنای مجازی از واژه اموال دانست.

منابع

قرآن کریم.

- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. (۱۴۰۹ق). کفایه الأصول. قم: مؤسسه آل البيت(ع).
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. (۱۴۰۷ق). فوائد الأصول. تهران: وزارت ارشاد.
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور. (۱۴۱۱ق). السرائر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن عباد، صاحب، ابن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الكتب.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۶ق). فرائد الأصول. قم: جامعه مدرسین.
- انصاری، مرتضی بن محمد. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بحر العلوم، محمد بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بلغة الفقيه. تهران: منشورات مکتبه الصادق.
- بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل. (۱۴۱۷ق). حاشیه مجمع الفائدة و البرهان. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
- جزائری، سید محمد جعفر مروج. (۱۴۱۵ق). منتهی الدراية فی توضیح الکفایه. قم: موسسه دارالکتاب.
- جزائری، سید محمد جعفر مروج. (۱۴۱۶ق). هدی الطالب إلى شرح المکاسب. قم: موسسه دارالکتاب.
- جناتی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۰). منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی. تهران: کیهان.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۱۳ق). الفقه، القواعد الفقهيّة. بیروت: مؤسسه امام رضا(ع).
- حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف. (بی تا). مختلف الشیعه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف. (بی تا). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیّة.
- روحانی رانکوهی، محمد تقی. (۱۳۹۲). مفاهیم بنیادی پایگاه داده‌ها. تهران: انتشارات جلوه.
- سید مرتضی، علی بن حسین موسوی. (۱۴۰۵ق). رسائل الشریف المرتضی. قم: دار القرآن الکریم.
- شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). الدرر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة. قم: کتابفروشی داوری.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیّة.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۰۸ق). بحوث فی شرح العروة الوثقی. قم: المجمع العلمی للشهید الصدر.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۰۵ق). بحوث فی علم الاصول. بی جا: المجمع العلمی للشهید الصدر.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۱۸ق). دروس فی علم الاصول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صدری، محمد رضا، کروی، محمد تقی. (۱۳۸۴). ابعاد حقوقی سایبر در پرتو توسعه ملی. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات اولین همایش حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور. تهران: انتخابات بقیه.
- طباطبایی، سید علی بن محمد. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت(ع).
- طباطبایی، سید محمد حسین. (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن. بی جا: بی نا.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بی جا: بی نا.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط. تهران: المکتبه المرتضویّة.

- عبدی‌پور فرد، ابراهیم، وصالی ناصح، مرتضی. (۱۳۹۶). توسعه مفهوم و مصادیق مال در فضای مجازی (مطالعه تطبیقی مالیت داده‌های رایانه‌ای در حقوق اسلام، ایران و کامن‌لا). پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب، (۱۱)، ۸۵-۱۱۲.
- عراقی، ضیاء‌الدین. (۱۴۱۴ق). مقالات الاصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- عراقی، آقا ضیاء‌الدین. (۱۴۱۷ق). نه‌ایه الافکار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد فاضل. (۱۴۲۹ق). تفصیل الشریعه - الغصب. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). العین. قم: مؤسسه دار الهجره.
- قلی‌زاده نوری، فرهاد. (۱۳۷۹). فرهنگ تشریحی اصطلاحات کامپیوتری مایکروسافت. تهران: نشر دادگستر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محدث نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- مشکینی اردبیلی، علی. (۱۳۷۴). اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها. قم: الهادی.
- مظفر، محمد رضا. (۱۴۳۰ق). أصول الفقه. قم: انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). دائرة المعارف فقه مقارن. قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر. (بی‌تا). درس خارج فقه المسائل المستحدثه. مقرر: سید مجتبی حسین‌نژاد، نسخه خطی.
- مکی عاملی، حسین یوسف. (۱۳۹۱ق). قواعد استنباط الأحکام. قم: مولف.
- موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
- موسوی حائری، مصطفی محسن. (بی‌تا). نه‌ایه الوصول الی کفایة الأصول. نجف اشرف: مطبعة الآداب.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۱۵ق). مناهج الوصول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خویی، سید ابو القاسم. (بی‌تا). مصباح الفقاهة. بی‌جا: بی‌نا.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن. (۱۴۳۰ق). القوانين. قم: احیاء الکتب الاسلامی.
- نائینی، محمد حسین. (بی‌تا). فوائد الأصول. بی‌جا: بی‌نا.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء.
- نراقی، مولی احمد. (۱۳۹۶ق). مستند الشیعه. تهران: مکتبه المرتضویه.

References

The Holy Quran.

- Abdipour Fard, E., & Vessali Nasab, M. (2017). Expanding the concept and instances of property in cyberspace: A comparative study of the property nature of computer data in Islamic law, Iranian law, and common law. *Comparative Research in Islamic and Western Law*, (11), 85-112.
- Ākhūnd al-Khurāsānī, M. K. ibn Ḥ. (1987). *Fawā'id al-uṣūl* [Benefits of the principles]. Ministry of Guidance Publication.
- Ākhūnd al-Khurāsānī, M. K. ibn Ḥ. (1989). *Kifāyat al-uṣūl* [The sufficiency of the principles]. Āl al-Bayt Institute.

- Al-Farāhīdī, Kh. ibn A. (1989). *Al- 'Ayn* [The source]. Dār al-Hijrah Institute.
- Al-Ḥillī, Ḥ. ibn Y. ('Allāmah). (1993). *Qawā'id al-aḥkām* [Rules of rulings]. Islamic Publication Office.
- Al-Ḥillī, Ḥ. ibn Y. ('Allāmah). (n.d.). *Mukhtalif al-Shī'ah* [The differences within the Shia school]. Islamic Publications Office.
- Al-Ḥillī, Ḥ. ibn Y. ('Allāmah). (n.d.). *Muntahā al-maṭlab fī taḥqīq al-madhhab* [The ultimate objective in researching the school of thought]. Islamic Research Foundation.
- Al-Ḥillī, J. ibn Ḥ. (Muḥaqqiq). (1988). *Sharā'i' al-Islām* [The codes of Islam]. Ismā'īlīyān Institute.
- Al-Kulaynī, M. ibn Y. (1987). *Al-Kāfī* [The sufficient]. Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Al-Makkī al-'Āmilī, Ḥ. Y. (1971). *Qawā'id istinbāṭ al-aḥkām* [Rules for inferring rulings].
- Al-Muḥaddith al-Nūrī, M. Ḥ. (1988). *Mustadrak al-wasā'il* [The rectifier of the means]. Āl al-Bayt Institute.
- Al-Muẓaffar, M. R. (2009). *Uṣūl al-fiqh* [The principles of jurisprudence]. Islamic Publication.
- Al-Nāẓinī, M. Ḥ. (n.d.). *Fawā'id al-uṣūl* [Benefits of the principles].
- Al-Ṣadr, S. M. B. (1985). *Buḥūth fī ilm al-uṣūl* [Researches in the science of the principles]. The Scientific Academy of Shahid Sadr.
- Al-Ṣadr, S. M. B. (1988). *Buḥūth fī sharḥ al-urwat al-wuthqā* [Researches in the explanation of "The Firmest Bond"]. The Scientific Academy of Shahid Sadr.
- Al-Ṣadr, S. M. B. (1998). *Durūs fī ilm al-uṣūl* [Lessons in the science of the principles]. Islamic Publishing Institute.
- Al-Sayyid al-Murtaḍā, 'A. ibn Ḥ. (1985). *Rasā'il al-Sharīf al-Murtaḍā* [The treatises of al-Sharīf al-Murtaḍā]. Dār al-Qur'an al-Karīm.
- Al-Shahīd al-Awwal, M. ibn M. (1997). *Al-Durūs* [The lessons]. Islamic Publication Office
- Al-Shahīd al-Thānī, Z. ibn 'A. (1990). *Al-Rawḍat al-bahīyah* [The beautiful garden]. Dāwarī Bookstore.
- Al-Shahīd al-Thānī, Z. ibn 'A. (1993). *Masālik al-afḥām* [The paths of understanding]. Al-Ma'arif al-Islāmīyah Institute.
- Al-Ṭabarsī, F. ibn Ḥ. (1986). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'an* [The compendium of elucidation in the interpretation of the Qur'an].
- Al-Ṭabāṭabā'ī, S. M. Ḥ. (n.d.). *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'an* [The balance in the interpretation of the Qur'an].
- Al-Ṭabāṭabā'ī, S. 'A. ibn M. (1998). *Riyāḍ al-masā'il* [The gardens of issues]. Āl al-Bayt Institute.
- Al-Ṭūsī, A. M. ibn Ḥ. (1967). *Al-Mabsūṭ* [The extensive work]. Al-Murtaḍawīyah Library.
- Al-'Irāqī, Āqā Ḍiyā' al-Dīn. (1997). *Nihāyat al-afkār* [The ultimate of thoughts]. Islamic Publications Office.
- Al-'Irāqī, Ḍiyā' al-Dīn. (1994). *Maqālāt al-uṣūl* [Articles on the principles]. Islamic Thought Forum.
- Anṣārī, M. ibn M. (1995). *Kitāb al-makāsib* [The book of gains]. The World Congress in Honor of Shaykh-i Aẓam Anṣārī.
- Anṣārī, M. ibn M. Amīn. (1996). *Farā'id al-uṣūl* [The unique pearls of the principles]. Jāmi'at al-Mudarrisīn.

- Baḥr al-ʿUlūm, M. ibn M. T. (1983). *Bulghat al-faqlh* [The jurist's objective]. Sadr Library Publication.
- Bihbahānī, M. B. ibn M. A. (1997). *Ḥāshiyat majmaʿ al-fāʾidah wa al-burhān* [Gloss on "The compendium of benefit and proof"]. The Institute for the Revival of the Works of al-Waḥīd al-Bihbahānī.
- Fāḍil Lankarānī, M. F. (2008). *Tafṣīl al-sharīʿah - Al-Ghaṣb* [Detailing the law - Usurpation]. Ahl al-Bayt Jurisprudential Center.
- Ḥusaynī Shīrāzī, S. M. (1993). *Al-Fiqh, al-qawāʾid al-fiqhīyah* [Jurisprudence, the jurisprudential principles]. Imām Riḍā Institute.
- Ibn Idrīs al-Ḥillī, M. ibn M. (1991). *Al-Sarāʾir* [The secrets]. Islamic Publication Office.
- Ibn ʿAbbād, al-Ṣāḥib, I. ibn ʿA. (1994). *Al-Muḥīṭ fī al-lughah* [The encompassing work on language]. ʿĀlam al-Kutub.
- Jannāʾī, M. I. (1991). *Sources of ijtihad from the perspective of Islamic schools of thought*. Kayhan.
- Jazāʾirī, S. M. J. Murwīj. (1995). *Muntahā al-dirāyah fī tawḍīḥ al-kifāyah* [The ultimate in proficiency in clarifying the "Kifayah"]. Dār al-Kitāb Institute.
- Jazāʾirī, S. M. J. Murwīj. (1996). *Hudā al-ṭālib ilā sharḥ al-makāsib* [The student's guide to the explanation of "The Book Makasib"]. Dār al-Kitāb Institute.
- Makārim Shīrāzī, N. (2006). *Dāʾirat al-maʿarif fiqh muqāran* [Encyclopedia of comparative jurisprudence]. Imām ʿAlī ibn Abī Ṭālib School Printing.
- Makārim Shīrāzī, N. (n.d.). *Advanced jurisprudence course on newly arising issues*. [Lecture notes compiled by S. M. Hossein-nezhad]. [Unpublished manuscript].
- Mīrāzī-yi Qumī, A. al-Q. ibn M. Ḥ. (2009). *Al-Qawānīn* [The canons]. Iḥyāʾ al-Kutub al-Islāmī.
- Mishkīnī Ardabīlī, ʿA. (1995). *Iṣṭilāḥāt al-uṣūl wa muḥṣam abḥāthihā* [Terminology of the principles and most of its researches]. Al-Hādī.
- Mūsawī al-Bojnourdi, S. Ḥ. ibn Āqā. (1999). *Al-Qawāʾid al-fiqhīyah* [The jurisprudential principles]. Al-Hādī Publication.
- Mūsawī Ḥāʾirī, M. Muḥsin. (n.d.). *Nihāyat al-wuṣūl ilā kifāyat al-uṣūl* [The ultimate arrival at the "Sufficiency of the Principles"]. Maṭbaʿat al-Ādāb.
- Mūsawī Khomeinī, S. R. (1995). *Manāḥij al-wuṣūl* [The paths of arrival]. The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mūsawī Khomeinī, S. R. (2001). *Kitāb al-bayʿ* [The book of sales]. The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mūsawī Khūʾī, S. A. al-Q. (n.d.). *Miṣbāḥ al-fiqāha* [The lantern of jurisprudence].
- Najafī, M. Ḥ. (1984). *Jawāhir al-kalām fī sharḥ sharāʾiʿ al-Islām* [The jewels of discourse in the explanation of the Islamic codes]. Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī.

- Narāqī, M. A. (1976). *Mustanad al-Shī'ah fī ahkām al-sharī'ah* [The support of the Shia in the rulings of the Islamic law]. Al-Murtaḍawīyah Library.
- Qulīzādah Nūrī, F. (2000). *Microsoft computer terms explanatory dictionary*. Dadgostar Publishing.
- Rūḥānī Rānkūhī, M. T. (2013). *Fundamental concepts of databases*. Jelveh Publication.
- Şadrī, M. R., & Karūbī, M. T. (2005). Legal dimensions of cyberspace in light of national development. In *Proceedings of the First National Conference on Information and Communication Technology Law*. Entekhab-e Baghche Publications.